

## صنعت نساجی جهان؛ از افول آمریکا و مصر

### تا صعود ترکیه و بنگلادش

در نهایت باعث ایجاد ۱/۵ میلیون شغل و افزایش سهم نساجی در تولید ناخالص داخلی شد. بنگلادش نیز با وضع سیاست‌های حمایتی مانند معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کم‌بهره و ایجاد مناطق صادراتی (EPZ) در دهه ۱۹۹۰، صنعت پوشاک خود را به دومین صادرکننده بزرگ جهان (پس از چین) تبدیل کرد. در سال ۲۰۲۳، صادرات پوشاک بنگلادش به ۴۳ میلیارد دلار رسید که ۸۴ درصد کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. بنگلادش با عقد قراردادهای تجارت آزاد با اروپا و آمریکا، آموزش نیروی کار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از برندهای بزرگ مانند H&M و Zara، موفق به ایجاد بیش از ۴ میلیون شغل مستقیم و کاهش فقر در مناطق روستایی خود شد. ویتنام از دهه ۲۰۰۰ با سیاست‌های حمایت از صادرات مانند کاهش تعرفه‌های گمرکی برای ماشین‌آلات و مواد اولیه و پیوستن به توافق‌نامه‌های تجارت آزاد (مانند CPTPP)، صنعت نساجی خود را توسعه داد. در سال ۲۰۲۳، صادرات نساجی و پوشاک ویتنام به ۳۹ میلیارد دلار رسید. این کشور با سرمایه‌گذاری در فناوری مانند اتوماسیون در تولید پارچه، آموزش نیروی کار و توسعه زنجیره تأمین داخلی برای کاهش وابستگی به مواد اولیه وارداتی، ۲/۵ میلیون شغل ایجاد کرد. بررسی تجربه کشورهایی از جمله آمریکا، انگلستان و مصر نشان می‌دهد که عدم حمایت از صنعت نساجی مانند آزادسازی بی‌ضابطه بازار یا عدم نوسازی به تعطیلی کارخانه‌ها، بیکاری گسترده و وابستگی به واردات منجر می‌شود. وضعیت فعلی نساجی ایران نیز با رشد ۱۲۱ درصدی واردات پارچه در سال ۱۴۰۰، نگران‌کننده است و باید چاره‌ای برای آن اندیشیده شود تا به سرنوشت کشورهای دیگر دچار نشود.

منطقه لنکاشر بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ تقریباً به‌طور کامل تعطیل شدند. از پیامدهای این اتفاق می‌توان به از دست رفتن صدها هزار شغل، کاهش تولید پنبه و پارچه داخلی، و تبدیل منچستر از یک مرکز صنعتی به شهری خدماتی، همراه با مشکلات اجتماعی مانند فقر در مناطق صنعتی قدیمی اشاره کرد.

مصر که زمانی به داشتن پنبه بلند الیاف معروف بود، در دهه ۲۰۰۰ به دلیل عدم حمایت از کشاورزان و رقابت با محصولات ارزان‌تر از هند و چین، تولید پنبه خود را از ۱/۵ میلیون تن در دهه ۱۹۹۰ به کمتر از ۵۰۰,۰۰۰ تن در سال ۲۰۲۰ کاهش داد. در نهایت این اتفاق به وابستگی به واردات پنبه و پارچه، کاهش صادرات نساجی (از ۲ میلیارد دلار به ۸۰۰ میلیون دلار در دهه اخیر)، و بیکاری کشاورزان و کارگران نساجی در دلتای نیل منجر شد.

نقطه مقابل آنها کشورهایی است که تحت حمایت‌ها و سیاست‌گذاری‌های مناسب دولت خود، رشد کرده و علاوه بر تأمین نیاز بازارهای داخلی خود، صادرکننده نیز شده‌اند.

ترکیه یکی از نمونه‌های موفق در این صنعت محسوب می‌شود. این کشور با سیاست‌های حمایتی از دهه ۱۹۸۰، از جمله یارانه‌های صادراتی، کاهش مالیات برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاری در فناوری مدرن (مانند ماشین‌آلات نساجی آلمانی)، صنعت نساجی خود را به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان تبدیل کرد؛ به طوری که در سال ۲۰۲۳، صادرات منسوجات ترکیه به ۳۶ میلیارد دلار رسید و بازارهای اروپا، خاورمیانه و آفریقا را پوشش داد. این کشور با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی برای نساجی (مانند بورسا)، حمایت از برندهای جهانی مانند LC Waikiki، و توسعه زنجیره تأمین یکپارچه از پنبه تا پوشاک

صنعت نساجی، به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر، در جهان فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. درحالی‌که کشورهای مانند ترکیه، بنگلادش و ویتنام با سیاست‌های حمایتی به صادرکنندگان بزرگ منسوجات تبدیل شده‌اند، تجربه شکست‌هایی مانند افول نساجی در آمریکا، منچستر و مصر نشان‌دهنده اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و حمایت‌های دولتی است.

وجود بیش از ۲ میلیون واحد صنعتی نساجی در جهان، حقیقتی است که بر موضوع اهمیت این صنعت و جایگاه آن در دنیا، صحنه می‌گذارد.

صنعت نساجی به دلیل جنس فعالیت‌های خود و تأمین پوشاک و... به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها، در میان تمام کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. اما نکته این است که این صنعت، فقط در برخی از کشورها ظرفیت تأمین نیاز بازارهای داخلی و صادرات را دارد.

به دلیل گستردگی و اهمیت این صنعت، باید برنامه‌ریزی دقیقی توسط نهادهای مربوطه در جهت رشد و توسعه آن صورت بگیرد. اهمیت این موضوع زمانی مشخص شد که در چند کشور دنیا به دلیل عدم حمایت از نساجی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، این صنعت رو به افول گذاشت.

به عنوان مثال در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ایالات متحده به دلیل آزادسازی بیش از حد بازار و عدم اعمال تعرفه‌های کافی بر واردات منسوجات ارزان از آسیا به‌ویژه چین و بنگلادش، شاهد تعطیلی گسترده کارخانه‌های نساجی بود. ایالت کارولینای شمالی که زمانی قطب نساجی آمریکا بود، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ بیش از ۲۰۰ هزار شغل در این صنعت را از دست داد. بیکاری گسترده کارگران، کاهش تولید داخلی (از ۵۰ درصد نیاز بازار به کمتر از ۲۰ درصد) و وابستگی به واردات منسوجات (مانند لباس و پارچه) از چین از جمله پیامدهای این اتفاق بود.

منچستر که در قرن نوزدهم به پایتخت پنبه جهان شناخته شده بود، در نیمه دوم قرن بیستم به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در نوسازی و رقابت با کشورهای آسیایی با دستمزد پایین (مانند هند و بنگلادش)، شاهد تعطیلی اکثر کارخانه‌های نساجی خود بود. به عنوان مثال، کارخانه‌های نساجی در